

درباره عقاید و رسوم عامه مردم خراسان

کشور ما - درحد خود - سرزمین پهناوری است که در آن زبانهای چندگونه‌ای رواج دارد و آداب و رسوم محلی گوناگونی. اما در این روزگار، مردم این سرزمین پهناور به برکت وسایل ارتباطی تندپای موجود، از احوال هم غافل نمانده‌اند. رادیو و تلویزیون و سینمای دبله در راه ایجاد این ارتباط، از کتاب و مطبوعات روزانه و هفتگی، بسیار پیشی گرفته‌اند و شك نیست که این ارتباط به تمرکزی منجر شده است و خواهد شد که مآلاً در بسیاری از زمینه‌ها، ثمرات نیکویی به بار آورده است و خواهد آورد. اما آنچه در مقال مورد توجهی سریع قرار می‌گیرد شبیخونی است که این وسایل ارتباطی مدرن خواه و ناخواه به فرهنگ و آداب و رسوم متنوع مردم این دیار - اگر تا کنون نزده باشد - خواهد زد؛ و دیری نخواهد پاید که نوعی یکسانی و همشکلی در آداب و رسوم و لغت مردم رخ خواهد داد.

هر چند به ظاهر، این امر، جای نگرانی ندارد. اما در یک نگاه اندکی دقیق تر از حد متعارف از طرفی به قدرت تأثیر سریع و شدید این وسایل ارتباطی در مردم، و از طرفی توجه دقیق به شوق و میل مردم ایل و روستا و شهرستان به نزدیکی و همشکلی با مرکز، علت این نگرانی را توضیح خواهد داد. و این را مطرح خواهد کرد که اگر ما رسم یا ادب یا لغتی را فراموش کنیم و از دست بدهیم، به جایش، چند رسم یا ادب یا لغت بی‌شناسنامه‌ای را بکار خواهیم برد؟ یکی از زادگاههای گسترده میدان وزود تأثیر لغات و تعبیرات و اصطلاحات، قلمرو ترجمه است. با توجه به اینکه دوران ما، دوران ترجمه است و بار عمده و اساسی رادیو و مطبوعات و تلویزیون و سینما همه بدوش ترجمه است و با توجه به بی‌خبری مترجمان اندک بضاعت این سازمانها از ادب و فرهنگ عامه و متون

کهن پارسی که دست اندرکار تهیه خوراک برای این دستگاههای تجارتی و ارتباطی هستند، شبیخونی که سرانجامش خرابی و فساد و فروریختن اساس زبان و فرهنگ و آداب ملت ماست روشن خواهد شد.

در چنین شرایطی ثبت و ضبط آداب و رسوم و لغات محلی و قومی، نجات فرهنگ و ادب غیرمکتوب ملی ماست از دستبرد این شبیخون. و این کار اگر دیر زمانی پیش، تفنی بوده است، امروز بصورت یک وظیفه ملی هر فرد، مؤسسه، بنیاد و وزارتخانه ایست که به نحوی با فرهنگ و ادب این کشور و ملت سروکار داشته و داعیه پاسداری فرهنگ این دیار را دارد. پرداختن به دایرة المعارفها، فرهنگها و دیوانها و متون - هر چند کاری است در حد خود ارجمند - ولی برای اینکار هر زمانی، فرصت مناسب است.

آنچه به نظر فوتی و حیاتی می رسد، نجات فرهنگ عامه مردم این سرزمین است از دستبرد این دستگاههای ارتباطی تندپا. نسلی که تاکنون سینه به سینه این آداب و رسوم را حفظ کرده است، اینک حق دارد در اشتیاق همگامی با مسائل دنیای نو. هر چه در سینه داشته است به فراموشی بسپارد. و شوق تحصیل و یادگیری خود را به وسیله این وسایل ارتباطی به ظاهر آموزشی. اما تجارتی که تنها وسیله موجود آموزش در اختیار اوست ارضا کند.

تاکنون سازمانهای دولتی و ملی چندی به این مهم پرداخته اند. همینطور افراد صاحب همتی که گریزی ولو به اختصار به نام آنها، بی مناسبت نیست.

حکیم قاسم کرمانی از ادبا و شعرای صد سال پیش کرمان است. مردی است فاضل و دانشمند که روزگار را به معلمی و مکتب داری می گذراند. نود سال پیش کتابی تصنیف می کند به نام «خارستان و نیستان و سفره سبزی و مثنوی عوام». بر شیوه گلستان. به نثر و نظم. و به قصد تهذیب اخلاق همشهریان خود، خصوصاً بازاریان و بافندگان شال که توده مردم کرمان بوده اند. و ازین به زبانی ساده و پر اصطلاح. کتابسی سال روی دستش می ماند تا حدود شصت سال پیش که مجالی دست می دهد و در مطبعه ممتاز کرمان چاپ سنگی می خورد. کتابی است در حد و پنجاه صفحه رقیعی. و متجاوز از چهل صفحه ابتدای آن فرهنگی است از لغات و اصطلاحات محلی و شفلی بافندگان کرمانی، تا خواننده تضعیف - خارستان را - بی نیاز به مترجم کرده باشد.

بنظر می رسد خارستان قاسم کرمانی نخستین گامی است که درین ملک در زمینه فلکلور برداشته شده است.

ده سال پس از چاپ خاورستان در کرمان ، کتاب کوچکی دیگر بنام «هزارویک سخن» در امثال و حکم زبان فارسی در چاپخانه کاویانی برلن چاپ می شود . نویسنده اش - امیر قلی امینی - چنان مورد استقبال قرار می گیرد و به شوق می آید که در بازگشت از سفر ، سالها با علاف و بقال و درشکه چی و ... حشر و نشر می کند و دل می دهد و قلوب می گیرد تا «امثال و حکم» مردم اصفهان را فراهم می آورد . مدتی هم در تردید به سر می برد که می توان امثله «بی ادبی» را هم ضبط کرد یا نه . بعدها متوجه می شود که «لاحیافی الدین والادب» و یاد شیخ شیرازی افتد و مولای روم و آن پرده در می خرد . تا سرانجام بیست و اند سال پیش مجموعه ای از صد و چهل مثل را با وجوه تسمیه اش به چاپ می سپارد . و شاید این دومین گامی باشد که در زمینه جمع آوری فرهنگ عامه برداشته شده باشد .

دیگرانی چون مرحوم دهخدا ، جمالزاده ، مرحوم هدایت ، آل احمد ، اقتداری ، ستوده ، ایل بیگی ، دکتر کیا . کمال الدین مرتضوی ، خسروی ، پورکریم ، ساعدی ، طاهرباز ، بلو کباشی ، رحمتی ، طاهریا ، قادر فتحی قاضی گامهای دیگری - در خورندگرمشان - برداشته اند و اینک گام ابراهیم شکورزاده است . اهل خراسان .

* * *

«عقاید و رسوم عامه مردم خراسان» تألیف ابراهیم شکورزاده ، کتابی است در ۵۶۰ صفحه و شامل یازده بخش : (۱- آشها و غذاهای نذری . ۲- آداب و رسوم محلی . ۳- طب عوام . ۴- فالها و دعاها . ۵- عقاید و احکام متفرقه . ۶- افسانهها . ۷- اشعار و ترانهها . ۸- لالاییها . ۹- معما . ۱۰- امثال و لغات . ۱۱- فهرست نام خوردنیها ، جانوران ، اشخاص . اماکن و ...) کتاب را بنیاد فرهنگ ایران منتشر کرده است . مؤلف از جمله در مقدمه نوشته اند :

«نگارنده برای آنکه خدمتی به فرهنگ و ادب کشور کرده باشد از سال ۱۳۲۷ تا کنون به جمع آوری فلکلور خراسان پرداخته و ضمن تماس مستقیم با مردان و زنان غالباً کهنسال این ایالت بزرگ و حضور و شرکت در بعضی از مراسم ... پرداخته ... و به کرات بالباس مبدل به قهوه خانهها و جاهای مختلف رفته و ...»

زحماتی که مؤلف محترم در گردآوری این کتاب متحمل شده اند بسیار بیش از آنست که خود در مقدمه ، شمه ای از آن را ذکر کرده اند ، ما همانطور

که خواسته بودند، اثرایشان را با حسن التفات دیدیم. و این چند ایراد را از آن رو طرح می‌کنیم که امیدواریم کارشان آنقدر مورد حسن التفات علاقمندان قرار گیرد که بزودی ناچار به تجدید چاپ آن شوند و حذف و رفع این زوائد و نواقص، ناچیز.

اما آنچه به نظر زائد آمد مطالبی بود از قبیل مقدمه تاریخی و اسفندساختی ایشان از تواریخ درباره نوروز. چرا که ایشان را بسنده بود که به ثبت مراسم نوروز زمان خود می‌پرداختند. همچنانکه در تمام فصول دیگر این روش را بکار برده‌اند. و یا مثلاً ذکر مراسم بخت‌گشایی دختران شهرهایی چون شیراز و اصفهان و همدان و یزد و اهواز و تبریز و آمل که حتماً زائد بود کفار می‌گذاشتند و بدلیل این چند سطر زیر نویس خود مؤلف:

«مطالب این قسمت تا آخر فصل راجع به بخت‌گشایی دختران از مجلات و روزنامه‌های کشور اقتباس شده است و صحت و سقم آنها بر عهده نویسنده نیست.»

همینقدر که ایشان مراسم بخت‌گشایی دختران مکان خود را - خراسان را تصور کرده‌اند، آوردند، کارشان تمام است احتیاجی بذکر مراسم مکانهای دیگر - شهرهای دیگر - آنهاست. به این ترتیب قابل تکذیب نبوده است. همچنانکه باز خود مؤلف در دیگر فصول این چنین کرده‌اند. از مطالب دیگر زائد کتاب قضاوت‌های مؤلف است. و نتیجه‌گیری‌های ایشان. و وقتی خود مؤلف در مقدمه ادعا می‌کنند که:

«مطالب این کتاب با کمال بی‌طرفی تدوین شده است... (و تفکیک افکار خوب و بد و حذف بعضی از قسمتها برای مؤلف نیز غیر ممکن بوده است. زیرا اصالت تحقیق را از بین می‌برد است»

دیگر جائی برای قضاوت‌هایی از این قبیل نمی‌ماند که:

«عقاید و افکار عامه بردو قسم است. یکی افکار و عقایدی که به تدریج به برای مردم عاقل و فهمیده و خوش‌نیت حاصل شده است... دیگر اعتقادات و خرافاتی که بدانند ایشان و شکست‌خوردگان جامعه بممد یا به غیر عمد ساخته و پرداخته‌اند... باید سعی کرد این گونه عقاید غلط و زیان‌آور از ذهن مردم محو و بکلی معدوم گردد.»

این گونه قضاوت‌های اخلاقی نه کارگردآورنده است و نه کار «محقق» چون بلافاصله این سؤال را پیش می‌آورد نکند که ایشان کوشیده باشند برای محو عقاید غلط و زیان‌آور از ذهن خواننده، بجای ثبت موجود ضبط ممکن

کرده باشند؟

اشکال دیگر کار کتاب نقصانه‌های کتاب است.

۱- هفت افسانه نخستین بخش ششم و بعضی از ترانه‌ها و لالایی‌ها فاقد مشخصات لازم است. کاش شکورزاده همانطور که در مورد افسانه شاه طهماسب آورده‌اند که:

دازقریه چناران - روایت کنند: بانوماشالله حسینی - ۴۷ ساله

در موارد دیگر هم این دقت را مرعی می‌داشتند. تا اخلاطی در لهجه‌ها پیش نیاید.

۲- گاهی اوقات به جای آوانگاری (ترانسکرپسیون) به اعراب قناعت کرده‌اند. مثلاً نغمه‌هایی که هنگام ختمه‌سوران می‌خوانند.

۳- اطلاعی که از انواع سنگ قبرها و جنس سنگ‌ها و محل و معدن آنها داده بودند، جالب بود. اما بجای نقش‌های دقیق از چند سنگ قبر مشخص، نقاشی‌های زینتی و منظم هندسی از سنگ قبرهای کلی داده بودند.

در خاتمه یادآوری کنم که فلکلور در اصل انگلیسی نیست، جزء اول آن اصلاً آلمانی است، و جزء دوم آن Lur ریشه‌ای لاتین دارد. موفق باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

